

شرح

قرارداد ژنو راجع بهبود سرنوشت

بیماران و زخممداران

در نیروهای مسلح هنگام اردو کشی

مقدمه

صفت اصلی و علت وجود تمدن بشر اینست که افراد را در برابر طبیعت و مخاطرات آن حمایت میکند. ما بسبب خطرات و تهدیدات طبیعت بهم نزدیک شده ایم و تمدن کنونی را که وظیفه اساسی آن ایجاد محیط آرام و ثابته برای زندگی است بوجود آورده ایم. از یاد بردن اختلافات و ترك مشاجرات و احساس و وظیفه مشترك در قبال سوانح و حوادث یکی از جنبه های شریف و انسانی این تمدن است. با این وصف در تاریخ زندگانی بشر گاه بگاه رشته این تمدن درخشان آنچنان در برابر حرص و غرور و خود خواهی يك اقلیت سرکش از هم گسسته است که بشر را تا حد يك جانور سبع و خونخوار پائین آورده. جنگ یکی از آن حوادثی است که زندگی پر امید آدمیان را معدوم و فرد را در وضع غیر شرافتمندانه ای قرار میدهد.

دو جنگ جهانی گذشته خونین ترین و فجیع ترین و شاید بتوان گفت ننگین ترین حوادثی بوده که در طول تاریخ بشر، حیات او را تهدید کرده است. این دو جنگ نشان داد که فعالیت های فرهنگی مداوم و متمادی نتوانسته است عشق به قتلی را که بعقیده فروید در نهاد بشر نهفته است و یادگار دوران توحش و انعکاس غرائز حیوانی اوست معلوم کند. ضرباتی که این دو جنگ بر پیکر بشریت وارد آورد سيل خشم و نفرت کلیه جهانیان و آسیب دیدگان جنگ را علیه مقدمین آن برانگیخت و خیر خواهان و بشر دوستان اقداماتی بمنظور سرکوبی مسببین و پیشگیری از بروز مجدد جنگ و بالاقبل تحدید و تخفیف جنبه های ضد انسانی آن بعمل آوردند که مهمترین این اقدامات محاکمه جنایتکاران جنگ و تأسیس سازمان ملل متحد و تدوین رسوم و عادات جنگ بر اساس انسانیت میباشد.

در ۲۱ آوریل ۱۹۴۵ نمایندگان مختار عده زیادی از دولتها در شهر ژنو گرد آمدند بمنظور بهبود سرنوشت زخممداران و بیماران و غریقان و معامله با اسیران و حمایت افراد کشوری در زمان جنگ مقرراتی وضع کردند که منتهی بامضای چهار فقره قرارداد در ۱۲ اوت ۱۹۴۹ گردید.

شرح قرارداد نخستین موضوع بحث ماست.

بخش اول: تاریخ تصویب و مدت اعتبار قرارداد

الف- تاریخ تصویب - قرارداد های چهار گانه ژنودر تاریخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹

از طرف نمایندگان دولتها امضاء شده است بموجب ماده ۵۶ «... ممکن است تا تاریخ ۱۲ فوریه ۱۹۵۰ بنام دولتهائی که در کنفرانس مورخ ۲۱ آوریل ۱۹۲۹- منعقد در ژنو شرکت داشته‌اند و همچنین بنام دولتهائی که در این کنفرانس شرکت نکرده ولی در قرارداد- های ژنو سال ۱۸۶۴ و سال ۱۹۰۶ و سال ۱۹۲۹ راجع بهبود سرنوشت زخمیداران و بیماران نیروها هنگام اردو کشی عضویت دارند امضا شود». ولی چون لازم بود که مفاد قرارداد بتصویب مجالس مقننه هر یک از آنها نیز برسد تاریخ اعتبار قرارداد بموجب ماده ۵۸ «... شش ماه پس از تاریخی است که لااقل دوسند تصویب تسلیم گردد و بعداً برای هر یک از دولتهای معظمه متعاهد پس از شش ماه از تاریخی که سند تصویب خود را تسلیم نماید معتبر خواهد بود». مدت شش ماه مذکور در این ماده بمنظور اینست که دولتها در مواقع عادی و زمان صلح بتوانند خود را برای اجرای قرارداد آماده نمایند و پیش بینی های لازم را معمول دارند. ولی چون منظور از قرارداد بهبود سرنوشت آسیب دیدگان جنگ است بموجب ماده ۶۲ « بمحض اینکه موقعیت های مذکور در مواد ۲ و ۳ (مواقع جنگ - اشغال مملکت - نزاع مسلحانه که جنبه بین المللی نداشته باشد) پیش آید بلافاصله تصویب ها و الحاق هائی که از طرف دولتهای متخاصم قبل یا بعد از شروع مخاصمات یا اشغال، تسلیم یا اعلام شده باشد رسمیت خواهند یافت... » بنا بر این شرط رعایت مدت شش ماه مذکور در ماده ۵۸ در صورت بروز جنگ ساقط خواهد شد و تاریخ اعتبار قرارداد همان تاریخ تسلیم سند تصویب و الحاق از طرف دولت ها بشورای متحده سوئیس در شهر برن میباشد. (مواد ۵۷ و ۶۱ و ۶۲)

ب- مدت اعتبار - اکنون که مبدء زمانی اعتبار قرارداد بشرح فوق روشن

گردید باید دانست که مدت اعتبار آن برای هر یک از دول تا زمانی است که از طرف آن دولت فسخ نشده باشد. زیرا « هر یک از دول معظمه متعاهد حق فسخ این قرارداد را دارد... » (ماده ۶۳). ولی چون ممکن است بعضی دول بخواهند با اعلام فسخ از اجرای تعهدات خود در مواقعی که مکلف بر رعایت مقررات قرارداد میباشند سرباز زنند و این امر مخالف با اصول انسانیت و علت وجودی قرارداد است بمنظور جلوگیری از سوء استفاده از فسخ، ماده ۶۳ رسمیت فسخ را منوط بدو شرط زیر نموده است:

۱- در زمان صلح « فسخ پس از یکسال از تاریخ ابلاغ آن بشورای متحده سوئیس

رسمیت خواهد یافت... »

۲- « ولی چنانچه دولت فسخ کننده در جنگی وارد باشد مادام که عهدنامه صلح

منعقد نشده و در هر حال مادام که عملیات استخلاص و معاودت اشخاص مورد حمایت این قرارداد پایان نیافته فسخ اورسمیت نخواهد یافت... »

«... فسخ فقط درباره دولت فسخ کننده معتبر است و نسبت بتعهداتی که دولتهای

قرارداد ژنو

متخاصم مکلفند بموجب اصول حقوق بشر ناشیه از رسوم مقررہ بین ملل متمدن و قوانین انسانیت و مقتضیات وجدان عمومی اجرا نمایند بلا اثر خواهد بود».

ج - قلمرو زمانی اجرای قرارداد ۱۹۱۵ - نظر باینکه مفاد این قرارداد بمنظور تجدید و تخفیف مصائب و آلام ناشیه از جنگ وضع شده قلمرو زمانی آن ناچار محدود بزمان جنگ است ولی چون مفهوم روشن و تعریف مانعی از جنگ وجود ندارد ماده ۲ مقرر داشته است: «علاوه بر مقرراتی که در زمان صلح باید بموقع اجرا گذاشته شود این قرارداد در صورت جنگ رسمی یا هر گونه مخاصمه مسلحانه که بین دو یا چند دولت ازدول معظمه متعاهد روی دهد بموقع اجرا گذارده خواهد شد ولو اینکه یکی از آن دول وجود حالت جنگ را تصدیق نکرده باشد. این قرارداد در هر مورد که تمام یا قسمتی از خاک یکی از دول معظمه متعاهد اشغال شود نیز بموقع اجرا گذاشته خواهد شد ولو اینکه اشغال مزبور با هیچ گونه مقاومت نظامی مواجه نشده باشد». بعلاوه چون آلام و مصائب و آثار جنگ بلافاصله پس از پایان آن خاتمه نمییابد «در مورد اشخاص تحت حمایت این قرارداد که بدست دشمن بیفتند این قرارداد تا زمان اعاده قطعی آنان بمیهنشان اجرا خواهد شد».

(ماده ۵)

بخش دوم: متعاهدین و مجریان و استفاده کنندگان از قرارداد

۱ - متعاهدین - متعاهدین قرارداد سه دسته میباشند:

الف - ۶۳ دولتی که اسامی آنها ذیل سند نهائی کنفرانس سیاسی تجدید نظر در «قرارداد ژنو مورخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۲۹ راجع ببهبود سرنوشت زخمیداران و بیماران هنگام اردوگشی» و چند قرارداد دیگر مذکور است (با توجه بمواد ۵۸ و ۶۲)

ب - دولتهائی که در کنفرانس ۲۱ آوریل ۱۹۴۹ منعقد در ژنو شرکت داشته و همچنین دولتهائی که در کنفرانس ۱۲ اوت ۱۹۴۹ شرکت نکرده ولی در قراردادهای ژنو سال ۱۸۶۴ و ۱۹۰۶ و ۱۹۲۹ راجع ببهبود سرنوشت زخمیداران و بیماران نیروها هنگام اردوگشی عضویت داشته اند. (ماده ۵۶)

ج - سایر دولتی که قرارداد را امضا نکرده باشند، بدین ترتیب که بموجب ماده ۶۰ «قرارداد بمحض اینکه اعتبار یافت برای الحاق هر دولتی که آنرا امضا نکرده باشد مفتوح خواهد بود».

۲ - اجرا کنندگان - اجرا کنندگان قرارداد پنج دسته اند:

الف - دولتهای متعاهد وارد در جنگ و سرفرماندهان و مأموران آنها (ماده ۴)

ب - دول حامی که مأمور حفظ منافع دول متخاصمند. این دول در اجرای قرارداد با دول متخاصم معاضدت مینمایند. «... برای این منظور دول حامی میتوانند علاوه بر مأمورین سیاسی یا کنسولی خود نمایندگانی از میان اتباع خود یا اتباع دول بیطرف دیگر تعیین نمایندگان مزبور باید مورد پذیرش دولتی قرار گیرد که نمایندگان

قرارداد ژلو

نزد آن دولت انجام وظیفه خواهند کرد ...» (ماده ۸) . «عنوان دولت حامی ناظر بر دستگاهائی که طبق منطوق ماده ۱۰ - جانشین دولت حامی است (اشخاص و مقامات مذکور در همین بند و بندهای ذیل) نیز میباشد.» (ماده ۱۰)

ج - دستگاهی که واجد تضمینات بیطرفی باشد ، زیرا بموجب ماده ۱۰ « دول متعاقد میتوانند در هر موقع بین خود ترتیبی دهند که وظائفی که بعهد دول حامی محول است بدستگاهی که واجد تضمینات بیطرفی و کارآمدی باشد محول سازند...»

د - هر دولت بیطرفی که بتقاضای دولت نگاهدارنده زخمیداران و بیماران محروم از حمایت دولت حامی وظائف دولت حامی را برعهده بگیرد. (قسمت دوم ماده ۱۰)

ه - دستگاههای نوع پروری مانند کمیته بین المللی صلیب سرخ. در مواردی که جلب حمایت مراجع مذکور، فوق میسر نباشد دولت نگاهدارنده باید از یک دستگاه نوع پروری تقاضا نماید وظائف نوع پرورانه ایرا که بموجب این قرارداد بعهد دول حامی محول است برعهده گیرد. (قسمت سوم ماده ۱۰)

۴ - استفاده کنندگان - بطور کلی اعضاء نیروهای مسلح و هر کس که بانیت خدمت بوطن در عملیات جنگی شرکت یا دخالت داشته باشد از مزایای این قرارداد میتواند و نیاید استفاده کند ، معهدا برای توضیح و تشخیص و تعیین افرادی که از مقررات قرارداد استفاده میکنند ماده ۱۳ آنان را بشرح ذیل احصاء کرده است:

الف - اعضاء نیروهای مسلح دولت داخل در جنگ و همچنین اعضاء قوای چریک و دسته های داوطلب که جزء نیروهای مسلح مذکور میباشند.

ب - اعضاء سایر چریک ها و اعضاء سایر دسته های داوطلب بانضمام نهضت های مقاومت متشکل متعلق بیک دولت متخاصم ... (مشروط بر آنکه جامع شرایط چهار گانه مندرج در ماده مزبور باشند).

ج - اعضاء نیروهای منظم که خود را وابسته بدولت یا مقامی اعلام کرده باشند که توسط دولت دستگیر کننده شناخته نشده باشد.

د - اشخاصی که همراه نیروهای مسلح میباشند بی آنکه مستقیماً جزء آن نیروها باشند از قبیل خبر نگاران جنگی و ...

ه - اعضاء بانضمام فرماندهان و ناخدایان و شاگردان بحریه بازرگانی و اعضاء هواپیمائی کشوری ...

و - نفوس اراضی اشغال نشده ... که ارتجالاً اسلحه بدست میگیرند مشروط بر حمل علنی اسلحه و رعایت رسوم جنگ.

بطور کلی زخمیداران و بیماران هر یک از دستجات مذکور فوق که بدست طرف متخاصم بیفتند اسیر جنگی محسوب و از قواعد حقوق بشر و امتیازات مقرر قرارداد استفاده خواهند کرد. (ماده ۱۴)

نکته مهمی که از مجموع مطالب بخش اول و دوم نتیجه میشود اینست که تنظیم کنندگان قرار داد خواسته اند تا آنجا که ممکن است مفاد و مدلول آن شمول و تعمیم داشته باشد و عده بیشتری اعم از متعاقد و مجری و استفاده کننده را فرا گیرد، علت این امر آنست که:

اولاً: مقررات قرارداد منافع دولت یا نژاد یا مذهب یا دسته معینی را در نظر نمیگیرد بلکه منافع جامعه بشریت را براساس اصول انسانیت مورد حمایت قرار میدهد.
ثانیاً: مفاد قرار داد همان آداب و رسوم مسلم و معمول جنگ است که بدون گردیده و در واقع مطالب تازه ای نیست که استفاده از آن مخصوص و محدود به افراد معینی باشد.

بخش سوم - حقوق و تکالیف ناشی از قرارداد

۱- تعهد اجرا - در ماده اول قرارداد دول متعاقد تعهد کرده اند که در هر مورد مفاد قرارداد را رعایت نموده بموقع اجرا بگذارند.

۲- وظائف دول متخاصم - اصولاً دولتهای امضاکننده، با امضای قرارداد اجرای کامل مفاد آنرا تعهد و تقبل کرده اند و بنا براین در نظر اول شاید بحث در اطراف وظائف دول متخاصم تحت عنوان خاصی معقول بنظر نرسد. ولی اگر در محتوی قرارداد دقت شود ملاحظه خواهد شد که در چند ماده، اصول وظائف دول متخاصم پیش بینی شده است. این وظائف بشرح زیر است:

الف- حفظ حیات و تأمین سلامت زخمیداران و بیماران - « دولتهای متخاصم در هر حال مخصوصاً پس از شروع جنگ باید بدون فوت وقت تدابیر ممکنه را برای جستجو و جمع آوری زخمیداران و بیماران اتخاذ نمایند... و پرستاریهای لازم را برای آنان تأمین نمایند... هر موقع که اوضاع اجازه دهد طرفین بین خود قرار متارکه یا وقفه آتش یا قرار محلی دیگری خواهند داد که زخمیداران میدان جنگ جمع آوری و مبادله و حمل شوند... » (ماده ۱۵)

ب- حفظ اموال و عیال - « ... دولتهای متخاصم ... باید ... بیماران زخمیداران را از چپاول ... حفظ نمایند... ». (ماده ۱۵) « ... همچنین ... وصیت نامه یا هر سند دیگری که برای خانواده متوفی اهمیت داشته باشد و وجوه نقدی و بطور کلی تمام اشیائی را که بخودی خود یا باعتبار علائق محبت قیمتی باشد و روی اجساد مردگان یافت شود جمع آوری... و برای یکدیگر ارسال نمایند... » (ماده ۱۶)

ج- وظائف نسبت باجساد مردگان و رعایت احترام آنها - « دولتهای متخاصم مراقبت خواهند کرد که تدفین یا سوزاندن اموات تا حد اکثری که اوضاع اجازه میدهد انفراداً صورت یابد... و از وقوع فوت اطمینان حاصل و هویت آنان معلوم شود... اجساد را نمیتوان سوزاند مگر بعلت ضرورت بهداشت یا بعلی که ناشی از قوانین مذهبی

قرارداد ژنو

متوفی باشد ... بعلاوه دولتهای متخاصم مراقبت خواهند کرد که مردگان با احترام و در صورت امکان بر طبق اصول مذهبی خود دفن گردند و قبر آنها محترم شمرده شود...»
(ماده ۱۷)

پیش بینی های دیگری هم راجع بتأسیس اداره قبور و غیره در ماده ۱۷ شده است.
د - تشخیص و ثبت هویت - « دول متخاصم باید در اسرع اوقات ممکنه کلیه عوامل تشخیص هویت زخممداران و مردگان طرف متخاصم را که بدستشان افتاده اند ثبت ... و برای دولت متبوع اشخاص مذکور ارسال نمایند (ماده ۱۶)
سایر وظائف دول متخاصم را ضمن بخش پنجم، بصورت بحث در تخلف از مواردی که تشکیل جرم میدهد بیان خواهیم کرد.

بخش چهارم - تضمین و تأمین اجرای قرارداد

با اینکه پس از جنگ دوم جهانی ، تشکیل داد گاههای نورنبرگ و توکیو و محاکمه و مجازات جنایتکاران بزرگ جنگ ، بی اساس بودن عقیده آن دسته از علماء حقوق را که معتقد بعدم ضمانت اجرای مؤثر در مورد قواعد و مقررات حقوق بین الملل بودند ثابت کرد ، معهذا ایرادات و انتقاداتی که بر قانونی بودن محکمه و عطف بمسابق شدن اساسنامه آن از طرف بعضی از حقوقدانان اقامه شد لا اقل مؤید این مطلب است که مقررات حقوق بین الملل هنوز هم بمیزان قوانین داخلی ضمانت اجرایی ندارد و اگر فاتحین جنگ ، جنایتکاران مغلوب را محاکمه کردند معلوم نیست چه مقامی صلاحیت تحقیق و رسیدگی نسبت بجرائمی که احتمالاً از طرف خود آنها ارتکاب یافته است دارا میباشد.
بهر حال ما بدون اینکه وارد بحث شویم ، تضمینات و مقرراتی را که در قرارداد بمنظور تأمین و حسن اجرای مفاد آن پیش بینی شده مورد بررسی قرار میدهیم و به نتیجه و اثر نهائی آن کاری نداریم.

این مقررات از حیث ماهیت به پنج دسته تقسیم میشود :

۱ - مقررات ارشادی

۲ - مقررات حقوقی

۳ - مقررات جزائی

۱ - مقررات ارشادی - اصولاً هر قدر از حد قوانین آمره بسوی دستورات

اخلاقی نزدیکتر شویم جنبه ارشادی احکام بیشتر میشود. و چون منظور از عقد قرارداد های ژنو رعایت حال بیماران و زخممداران و اسرا بوده و این اندیشه ناشی از وجدان اخلاقی و حس نوع دوستی بشر است بهمین جهت هم جنبه ارشادی مقررات آن بسیار قوی است. بسیاری از مواد قرارداد صرفاً بمنظور ارشاد و راهنمایی دولتهای متخاصم وضع شده است و دلیل امر نیز شاید این باشد که کنترل اعمال و رفتار متخاصمین در مورد بیماران و زخممداران دشمن که بدست آنها میافتند مشکل است.

قرارداد ژلو

بعنوان مثال در مورد این قبیل مقررات قرارداد نقل میشود :

ماده ۱۸ - فرمانده نظامی میتواند از همت خیرخواهانه اهالی محل استمداد نماید که زخمیداران و بیماران را جمع آوری و تحت نظر داوطلبانه پرستاری کنند »

ماده ۶ - «علاوه بر موافقت نامه هائی که صریحاً در مواد ... پیش بینی شده دولتهای متعاقد میتوانند موافقت نامه های اختصاصی دیگری نیز در باب هر مسئله که حل آنها اختصاصاً مقتضی بدانند منعقد سازند....»

ماده ۹ - قسمت دوم و سوم ماده ۱۵ - ماده ۲۳ - قسمت دوم ماده ۳۱ نیز از همین نوع است.

۴ - مقررات حقوقی - بمنظور اینکه قرارداد شمول بیشتری داشته باشد و از هر گونه بهانه جوئی و سوءاستفاده از طرف دولی که وضع حقوقی روشن و ثابتی ندارند و سایر دول یا دولتهای وارد در جنگ ، آنها را برسمیت نمیشناسند جلوگیری شود ، قسمت اخیر ماده ۳ مقرر میدارد : «... اجرای مقررات فوق اثری در وضع حقوقی متخاصمین نخواهد داشت....»

سایر مقررات حقوقی که بمنظور تأمین و تضمین اجرای قرارداد پیش بینی شده بر دو نوع است :

الف - مقررات اصولی

ب - مقررات اجرایی

الف - مقررات اصولی - این دسته از مقررات قرارداد و اجدهمیت شایانی است و از نظر اصول حقوقی پر ارزش ترین قسمت آنها تشکیل میدهند . مواد مربوط باین قسمت یا شامل احکام ایجابی است و یا احکام سلبی . بعبارت دیگر جنبه مثبت دارد و یا جنبه منفی .

اول - احکام ایجابی - طبق قسمت چهارم ماده ۱۰ «... هر دولت بیطرف یا هر دستگاهی که توسط دولت ذیربط برای منظور فوق (حفظ منافع زخمیداران و بیماران دول متخاصم) دعوت شود یا خدمات خود را عرضه دارد باید ذر فعالیت خود متوجه مسئولیت خویش در قبال دولت متخاصم که افراد مورد حمایت این قرارداد وابسته آنها بوده و تضمینات کافی بدهد که قادر است وظائف مزبور را عهده دار گردد و بیطرفانه انجام دهد....»

دوم - احکام سلبی - احکام سلبی مشتمل بر دو قسمت است :

سلب حق و رفع مسئولیت از خود

اسقاط تکلیف و سلب مسئولیت از طرف

I - سلب حق و رفع مسئولیت از خود - بموجب ماده ۷ « زخمیداران و بیماران و همچنین افراد کارکنان بهداری و مذهبی نمیتوانند در هیچ حالی از تمام یا قسمتی

قرارداد ژنو

از حقوقی که این قرارداد یا احیاناً موافقت نامه های اختصاصی موضوع ماده قبل درباره آنان تأمین نموده صرف نظر کنند».

نتیجه ای که از این ماده مورد نظر بوده است بشکل دیگری در ماده ۱۰۱ چشم می خورد. طبق ماده ۱۰۱ «هیچیک از دول متعاقد نمیتواند خود... را از مسئولیت هائی که بعلت تخلفات مذکور در ماده فوق متوجه او... میشود معاف سازد».

II - اسقاط تکلیف و سلب مسئولیت از طرف - بموجب ماده ۶ «هیچ موافقت نامه اختصاصی نمیتواند بوضع زخم داران و بیماران و همچنین بوضع افراد کارکنان بهداری و مذهبی بنحوی که بموجب این قرارداد معلوم گردیده لطمه وارد یا حقوقی را که این قرارداد بانان اعطا کرده تقلیل دهد...»

بموجب ماده ۱۰۱ «هیچیک از دول متعاقد نمیتواند... یک دولت متعاقد دیگر را از مسئولیت هائی که بعلت تخلف مذکور در ماده فوق متوجه... آن دولت دیگر میشود معاف سازد» و بموجب قسمت پنجم از ماده ۱۰ «... تخلف از مقررات فوق باتکاء هیچ موافقت نامه اختصاصی بین دولتها که یکی از آنها ولو بطور موقت در قبال دولت دیگر یا در قبال متحدین خود بعلت وقایع نظامی... محدود شده باشد مجاز نیست».

ب - مقررات اجرایی - این مقررات بیشتر مربوط بطریق اجرای مفاد قرارداد و تأمین بیشتری جهت حسن اجرای آن است. از این قبیل است ماده ۸۰ که مقرر میدارد: «این قرار داد با معاضدت و تحت نظر دول حامی که مأمور حفظ منافع دول متخاصمند اجرا خواهد داشت...» همچنین طبق ماده ۴۷ «دولتهای معظمه متعاقد تعهد مینمایند که در زمان صلح و جنگ متن این قرارداد را هرچه بیشتر در کشور خود اشاعه دهند...» و نیز طبق ماده ۴۸: «دولتهای معظمه متعاقد ترجمه رسمی این قرارداد و قواعد و مقرراتی را که برای تأمین اجرای آن وضع کرده باشند... بیکدیگر ابلاغ خواهند کرد».

ماده ۲۷ و مواد ۳ و ۴ و ۵ و ۹ و ۱۰ پیوست شماره ۱ قرارداد نیز در همین زمینه است.

۳ - مقررات جزائی - ضمانت های اجرایی اوایر مختلفی که بر بشر تحمیل

نیشود ممکن است بصورت مجازاتهائی مذهبی - اخلاقی - اجتماعی - طبیعی - قانونی در آید ولی آنچه در حقوق اعتبار دارد همان مجازاتهائی قانونی است. بنابراین اگر قانون یا قراردادی فاقد این نوع فاقد این نوع ضمانت اجرا باشد عالم حقوق حق دارد در اعتبار آن تردید کند. اگر ملاحظه میشود که قراردادهای بین المللی با آنکه فاقد اینگونه ضمانت اجراست عملاً توسط دولتها محترم شمرده میشود باید توجه داشت که این احترام ناشی از طبیعت آنها و اثر ماهوی آنها نیست. بلکه رعایت آن بر اساس معامله متقابل و تازمانی است که طرفین بجهاتی خواهان آن باشند. بهر تقدیر اگر این ملاحظات هم متفق علیه همه کس نباشد این نکته مسلم است که اثر اجرایی قراردادی که متکی بضمانت اجرای جزائی باشد بمراتب بیش از قراردادی است که فاقد آن باشد.

تنظیم کنندگان قراردادهای ژنو متوجه این نکته اساسی بوده اند. منتها چون

قرارداد و فو

مرجع جزائی بین المللی ثابتی وجود ندارد و قانون (Code) جزائی بین المللی نیز تا کنون بدون نگریده از این جهت این وظیفه را طبق ماده ۴۹ بود صورت بر عهده دولتهای متعاقد گذاشته اند. این دو صورت عبارتست از مجازات و اقدامات تأمینی.

الف - مجازات - بموجب قسمت اول ماده ۴۹ « دول معظمه متعاقد تعهد مینمایند که کلیه اقدامات قضائی لازم را برای تعیین مجازات مرتکبین یا آمرین ارتکاب هر یک از تخلفات عمده از این قرارداد را... بعمل آورند...».

ب - اقدامات تأمینی - بموجب قسمت سوم همان ماده «... هر دولت متعاقد اقدامات لازم را بعمل خواهد آورد که از هر گونه اعمال خلاف مقررات این قرارداد... جلوگیری شود...» ماهیت این قسمت از ماده چیزی جز اقدامات تأمینی نیست و نمیتواند باشد. مقرراتی که تخلف از آنها جرم محسوب میشود در بخش پنجم این دفتر بتفصیل ذکر شده است.

بخش پنجم - جرائم ناشی از عدم رعایت مفاد قرارداد

اینکه باید دید تخلف از کدام قسمتهای قرارداد جرم محسوب میشود و این جرائم بر چند نوع است. برای مطالعه این قسمت، از جرائم ناشی از عدم رعایت مفاد قرارداد دو تقسیم بعمل میآوریم:

الف - تقسیم جرائم از نظر اهمیت آنها

ب - تقسیم جرائم از نظر ماهیت و نوع آنها

الف - تقسیم جرائم از نظر اهمیت آنها - بطور کلی محتوی قرارداد از دو صورت خارج نیست:

اول مقررات مخیره که بیشتر جنبه ارشادی دارد مانند ماده ۱۸ که در صفحه ۱۲ نقل شد. عدم رعایت مقررات دسته اول مسلماً تشکیل جرمی نمیدهد.

دوم مقررات آمره که هدفها و اصول کلی و مقاصد اساسی قرارداد را تشکیل میدهد. این دسته از مواد نیز دو صورت دارند: شکلی و ماهوی

عدم رعایت مقررات شکلی در بعضی موارد اصولاً جرم نیست و یا واجد اهمیت چندانی نبوده تخلف ساده‌ای تشکیل میدهد مانند ماده ۴۰: «کارکنان مذکور در مواد... باید بیازوی چپ خود بازوبندی داشته باشند که رطوبت در آن اثر نکند...» و یا قسمت دیگر از همان ماده «... در کارت ذکر خواهد شد که با چه سمتی حق استفاده از این قرارداد را دارد...» ولی در بعضی از موارد هم ممکن است با توجه بنتایج و عواقبی که از عدم رعایت آنها حاصل میشود جرم محسوب شود مانند ماده ۳۶: «علامت مشخصه مذکور... روی سطوح فوقانی و تحتانی و طرفین ناوهای هوائی بهداری... بطور و وضوح نقش خواهد شد...»

قرارداد ولو

عدم رعایت ماهوی تشکیل جرائمی میدهند که از لحاظ اهمیت میتوان آنها را

بسه قسم تقسیم کرد :

۱ - جرائم عمده که بالصراحه در ماده ۵۰ بشرح زیر ذکر شده :

« تخلفات عمده... عبارتند از هر یک از اعمال ذیل بر علیه افراد یا اموالی که

تحت حمایت قرارداد میباشند ارتکاب شده باشد :

آدم کشی عمدی - شکنجه یا رفتار خلاف انسانیت بانضمام آزمایشهای بیولوژی
ایراد درد شدید بطور عمدی یا لطمه شدید بتمامت جسمی - انهدام و تصرف اموال که
متکی بضروریات جنگی نباشند و بمقدار کلی بطور غیر مشروع و بدلخواه شخص
صورت گیرد.»

۲ - جرائمی که خارج از شمول ماده ۵۰ است و در درجه دوم اهمیت قرار دارد

مانند تخلف از ماده ۲۲ « اشخاص مذکور در ماده ۲۷ که بدست طرف متخاصم اقتند قابل
بازداشت نیستند...» .

۳ - جرائم ساده و خفیف مانند عدم رعایت قسمت آخر ماده ۳۲ «... در مدتی

این اشخاص در اختیار دولت متخاصمند دولت مزبور باید همان اختیارات... و همان
دستمزد و مزایائی که بکارکنان نظیر آنان در ارتش خود میدهد برای آنان تأمین نماید.» .

ب - تقسیم جرائم از نظر ماهیت و نوع آنها - مقررات آمره قرار داد

در بعضی از موارد بالصراحه ارتکاب اعمالی را منع کرده که جرم بودن آن بسیار واضح
و روشن است مانند قسمت دوم ماده ۱۲: «... هر گونه دست درازی بچیات شخصی آنان..
ممنوع است.»

بسیاری از مواد هم حاوی اوامر و دستوراتی است که تخلف از آن اوامر جرم

محسوب میشود. اینک بدون تفکیک این دودسته از مواد، جرائم ناشی از عدم رعایت مقررات
قرار داد را از لحاظ ماهیت و نوع طبقه بندی میکنیم.

این جرائم بسه نوع تقسیم میشوند :

۱ - جرائم علیه انسانیت

۲ - کشتار جمعی

۳ - جرائم جنگی

۱ - جرائم علیه انسانیت - با توجه باینکه وجه تمایز و عامل مشخص جرائم

علیه انسانیت از سایر جرائم مشابه و مهم، نیت مرتکب مبنی بر ازین بردن افراد بخصوص
بمناسبت ملیت یا قومیت یا نژاد یا مذهب یا مرام و عقیده خاص آنها میباشد، وجود
این سوء نیت در تخلف از بعضی مواد قرارداد ظاهر و تقریباً مسلم است. مانند تخلف از بند ۱
ماده ۳ بشرح زیر:

قرارداد و نو

«... با کسانی که مستقیماً در جنگ شرکت ندارند بانضمام افراد نیروهای مسلحی که اسلحه بزمین گذاشته باشند یا کسانی که بعلت بیماری یا زخم یا اسارت یا هر علت دیگری قادر بجنگ نباشند باید در همه احوال بدون هیچگونه تبعیضی که ناشی از نژاد، رنگ، عقیده، جنس، اصل و نسب و یا ثروت و یا هر علت مشابه آن باشد با اصول انسانیت رفتار شود.»

اعمال ذیل در مورد اشخاص مذکور در بالا در هر زمان و در هر مکان ممنوع است و خواهد بود:

الف - لطمه بحیات یا تمامت بدنی منجمله قتل با تمام اشکال آن - زخم زدن - رفتار بیرحمانه - شکنجه و آزار

ب - اخذ گروگان

ج - لطمه بحیثیت اشخاص منجمله تحقیر و تخفیف

د - محکومیت و اعدام بدون حکم دادگاهی که صحیحاً تشکیل شده و جامع تضمینات قضائی که ملل متمدن ضروری میدانند باشد...»

در موارد این ماده تجاوز بحیات و سلامت و اعمال شکنجه و غیره اگر بعلی نژادی و مذهبی نباشد مسلماً ملیت مجنی علیهم مورد نظر مرتکبین جرم میباشد. تخلف از قسمت اخیر ماده ۶۳ نیز جرم مسلمی علیه انسانیت تشکیل میدهد. این قسمت نقل میشود:

«... فسخ فقط درباره دولت فسخ کننده معتبر است و نسبت بتعهداتی که دولتهای متخاصم مکلفند بموجب اصول حقوق بشر ناشیه از رسوم مقررین ملل متمدن و قوانین انسانیت و مقتضیات وجدان عمومی اجرا نمایند بلااثر خواهد بود» و همچنین است قسمت دوم ماده ۱۲.

ولی در تخلف از بعضی مواد دیگر این سوء نیت درك نمیشود و در صورتی جرم علیه انسانیت محسوب میشود که سوء نیت خاصی که عنصر معنوی این جرم است احراز شود و ثابت گردد. از این قبیل است تخلف از قسمت دوم ماده ۱۸ «... فرمانده نظامی باید باهالی و جمعیت های امداد و لودر نواحی اشغال شده اجازه دهد زخمداران و بیماران را از هر ملیتی که باشند ارتجالاً جمع آوری و پرستاری نمایند.» تخلف از این ماده ممکن است بر اثر بی مبالاتی و بدون سوء نیت مزبور باشد در این صورت نمیتوان آنرا جرم علیه انسانیت تلقی نمود.

بطور کلی موادی که تخلف از آنها با توجه بمراتب فوق جرم علیه انسانیت محسوب میشود علاوه بر مواردی که ذکر شد عبارتست از:

بند ۲ از ماده ۳ - ماده ۴ - قسمت سوم و چهارم ماده ۱۸ - قسمت سوم ماده ۳۵ - قسمت سوم ماده ۴۹ - قسمتهائی از ماده ۵۰

۴ - **کشتار جمعی** Génocide صفت مشخص کشتار جمعی نیز همان نیت فاعل مبنی بر ازین بردن و فلج کردن یک گروه و جماعت بمناسبت ملیت یا قومیت یا نژاد

قرارداد ولو

یامذهب آن گروه و جمع است و بنابراین برای تشخیص این جرم احراز این سوء نیت خاص لازم است.

تخلف دوم ماده ۱۲ قرارداد بشرط وجود سوء نیت مزبور و در صورتی که جرم علیه یک گروه واقع شده باشد کشتار جمعی محسوب میشود. این قسمت ذیلاً نقل میشود: «... دولت متخاصمی که آنان را در اختیار دارد باید بدون هیچگونه تمایز ناشیه از جنس و نژاد و ملت و مذهب و عقاید سیاسی یا هیچ جهت دیگری آنها را مورد معامله و پرستاری قرار دهد. هر گونه دست درازی بحیات شخصی آنان منجمله قتل محتضران - قتل عام و شکنجه و اجرای آزمایشهای یولوژی در باره آنان و رها کردن آنان بدون کمک پزشکی یا پرستاری، یا سبق تصمیم و یا قراردادن آنان در معرض مخاطرات سرایت یا ابتلای امراض، که آن مخاطرات عمداً برای همین منظور ایجاد شده باشد اکیداً ممنوع است.»

۳ - جرائم جنگی - جرم جنگی جرمی است که مخالف قوانین و عرف و عادت و عادت بین المللی راجع بمخاصمه و جنگ بوده و بوسیله افراد ارتش ارتکاب یابد. با توجه باینکه یکی از اصول مسلم جنگ که سالهاست صورت عرف و عادت بخود گرفته و در غالب قراردادهای بین المللی راجع بجنگ و مخاصمه وارد شده است عدم سوء رفتار با اسرا و بیماران و زخممداران میباشد بنابراین تخلف از اکثر مواد قرارداد در صورتی از طرف افراد ارتش بعمل آید جرم جنگی محسوب میشود.

بطور کلی جرائم جنگی ناشی از عدم رعایت مفاد قرارداد را میتوان به پنج دسته بشرح زیر تقسیم کرد:

الف - جرائم جنگی علیه جسم و جان

ب - جرائم جنگی علیه سلامت یا تأمین سلامت

ج - جرائم جنگی علیه حیثیت و آزادی

د - جرائم جنگی علیه اموال و علائق

ه - جرائم جنگی علیه اموات

الف - جرائم جنگی علیه جسم و جان - مثال کلاسیک و بارز این نوع جرم جنگی تخلف از ماده ۳۶ قرارداد است. طبق این ماده «ناوهای هوایی بهداری یعنی هواپیماهایی که منحصراً برای تخلیه بیماران و زخممداران و همچنین برای حمل و نقل کارکنان و لوازم بهداری استعمال میشوند مورد حمله قرار نخواهند گرفت بلکه در حین پروازهایی که در ارتفاعات و ساعات و مسیرهای مصرح و معین بین کلیه متخاصمین ذیربط مینمایند توسط متخاصمین محترم شمرده خواهند شد...»

همچنین است تخلف از قسمت اول ماده ۱۹ - مواد ۲۰-۲۱-۴۶ و ماده ۱۱ پیوست

شماره یک قرارداد

ب - جرائم جنگی علیه سلامت - بسیاری از مواد قرارداد بمنظور حفظ و تأمین یا تجدید سلامت افراد نیروهای دول متخاصم و بیماران و زخممداران است مثل بند ۲ ماده ۳: «۲۰۰۰ - زخممداران و بیماران باید جمع آوری و پرستاری شوند»

تخلف از این قبیل مواد جرم جنگی علیه افراد است. این مواد عبارتند از یک جزء از قسمت اول ماده ۱۵ - قسمت چهارم ماده ۳۲

ج - جرائم جنگی علیه آزادی و حیثیت - آزادی افراد در همه حال محترم است و سلب آزادی بدون مجوز مشروح در همه جا جرم محسوب میشود. این مطلب در پاره‌ای از مواد قرارداد نیز پیش‌بینی شده است مثل ماده ۲۸ «اگر کارکنان مذکور در مواد... بدست طرف متخاصم افتند نباید نگاهداشته شوند...»

همچنین است قسمت اول ماده ۳۰ و قسمت اول ماده ۳۲.

حیثیت افراد نیز مانند آزادی آنها مورد حمایت قرارداد میباشد. قسمت چهارم ماده ۱۲ مقرر میدارد: «... با زنان با کلیه احترامات خاص که لازمه جنس آنان است رفتار خواهد شد. همچنین است مواد ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ در خصوص رعایت احترامات کارکنان بهداری و نظامیان بهدار و کارکنان صلیب سرخ و غیره.

د - جرائم جنگی علیه اموال و علائق - مصادره اموال خصم در جنگ مشروع و شاید هدف و غرض از جنگ باشد، ولی محدود بموارد معین است. در خارج از آن موارد، اموال شخصی بیماران و زخممداران و کارکنان بهداری همانطور که در بخش سوم ضمن احصاء وظائف دول متخاصم نیز ذکر شد مصون از تجاوز و تصرف و مورد حمایت قرارداد است همچنین است اشیاء خصوصی که ممکن است فاقد ارزش باشد، ولی باعتبار وعلائی محبت برای صاحبان آنها ذیقیمت باشد. ماده ۱۵ که در صفحه ۹ نقل شد در این مورد صراحت کامل دارد.

اینکه ماده دیگری در همین زمینه نقل میشود که تخلف از آن جرم جنگ علیه اموال است:

ماده ۳۰: «افراد و کارکنانی که نگاهداری آنان.. ضروری نباشد... هنگام رفتن اسباب و اشیاء شخصی و نفوذ و اوراق بهادار و ادوات طبی را که متعلق بخودشان باشد با خود خواهند برد». قسمت آخر ماده ۱۶ که حتی اموال و علائق بازمانده از مردگان را حمایت میکند و قسمت سوم ماده ۳۲ و قسمت سوم ماده ۳۳ و قسمت اول ماده ۳۴ نیز در خصوص حمایت از اموال است.

ه - جرائم جنگی علیه اموات - راست است که جنگ و عملیات جنگی از نظر اخلاقی زشت و مذموم است اما جنبه ضد اخلاقی اعمال وحشیانه و غیر انسانی بمراتب شدیدتر از آنست. اگر جنگ در مواردی اجتناب ناپذیر باشد، اقدام بدان مستلزم و مجوز اعمال ضد بشری و خلاف انسانیت نیست. بهمین منظور جزئی از قسمت ماده ۱۵ و ماده

قرارداد ژنو

۱۷ برای یافتن اجساد مردگان و تدفین یا سوزاندن آنها مقرراتی پیش بینی نموده است که ضمن وظایف دول متخاصم (صفحه ۱۷ از آن بحث شد و عدم رعایت این مقررات جرم جنگی علیه اموات محسوب میشود.

علاوه بر انواعی که در پنج قسمت فوق ذکر شد جرائم جنگی دیگری نیز بعلمت عدم رعایت بعضی از مواد قرارداد ممکن است تحقق یابد که جنبه های مختلف و خاصی دارد از قبیل جرم علیه امنیت قضائی (قسمت ۴ ماده ۱۸ و قسمت اخیر ماده ۴۹) - جرم علیه آزادی مکاتبات (ماده ۱۴ که وضع بیماران و زخممداران را شبیه اسرای جنگی دانسته و در این مورد عطف بماده ۷۱ قرارداد راجع باسرا میشود بشرح زیر: « اسیران جنگی مجازند که کارت و نامه دریافت و ارسال کننده حيله های جنگی (ماده ۴۴ و ماده ۲ پیوست شماره یک قرارداد)

تخلف از بعضی مواد قرارداد هم مشتمل بر چند یا کلیه جرائم مذکور فوق با توجه به نتایج حاصله از آن خواهد بود مانند قسمت اخیر ماده ۱۱ و قسمت ماده ۲۵ و قسمت اخیر ماده ۴۰

بخش ششم - مقررات شکلی

با آنکه قسمت مهمی از مقررات قرارداد جنبه شکلی دارد و صرفاً بمنظور تعیین طرق اجرائی مفاد آن وضع شده مع الوصف تفکیکی بین مقررات شکلی و مقررات ماهوی قرارداد بعمل نیامده است.

مهمترین قسمت مقررات شکلی راجع به ترتیب رفع اختلافات در خصوص اجرا یا تفسیر یا ادعای نقض قرارداد است.

الف - مراجع رسیدگی - در قرارداد دو نوع مرجع پیش بینی شده است:

۱ - مرجع رفع اختلاف راجع با اجرا و تفسیر قرارداد.

۲ - مرجع رسیدگی بادعای نقض قرارداد.

۱ - مرجع رفع اختلاف راجع با اجرا و تفسیر قرارداد - این مرجع

کمیسیونی است از نمایندگان دول متخاصم و نمایندگان دولتهائی که عهده دار سرنوشت بیماران و زخممداران و مأموران بهداری میباشند. ممکن است عندالاقضا یکی از شخصیت های یک کشور بیطرف یا یک مأمور عالی مقام از طرف کمیته بین المللی صلیب سرخ نیز بدان ملحق شود.

تشکیل کمیسیون بترتیب زیر است:

دولت حامی بنا بدعوت یکی از دول عضو قرارداد یا رأساً بدول متخاصم پیشنهاد

تشکیل کمیسیون را خواهد داد. دول متخاصم مکلفند به پیشنهادهائی که در این زمینه

میرسد ترتیب اثر دهند. (از ماده ۱۱)

۲ - مرجع رسیدگی با ادعای نقض قرارداد - با آنکه در قرارداد از تحقیق

و رسیدگی در خصوص ادعای نقض مفاد آن در ماده ۵۲ عنوان شده معهداً مرجع صالح برای رسیدگی باین ادعا مشخص نشده است و ترتیب تحقیق و رسیدگی بعهده طرفین ذی‌علاقه واگذار شده.

اگر بین طرفین راجع بطرز تحقیق و رسیدگی توافق حاصل نشود یکنفر داور تعیین خواهند کرد که طرز اقدام را معلوم نماید. (از ماده ۵۲)

اعتبار تصمیمات مرجع - اصولاً مقررات و پیش‌بینی‌های قرارداد راجع بمرجع اخیر بسیار کوتاه و ناقص و مجمل است. اکنون میخواهیم بدانیم اعتبار آن چیست و تا چه حد است.

بطوری که از قسمت اخیر ماده ۵۲ استنباط میشود تصمیمات آن مرجع فاقد ضمانت‌های اجرائی عمومی قرارداد است. مؤید این استنباط، این عبارت ماده است که مقرر میدارد: «... پس از آنکه نقض قرارداد محرز گردید دولتهای متخاصم در اسرع وقت بدان خاتمه خواهند داد و از آن جلوگیری خواهند کرد». با آنکه عبارت **دولت‌های متخاصم** ذکر شده است ولی روشن است که یک دولت یعنی همان دولت ناقض قرارداد باید بنقض تعهدات خود خاتمه دهد.

مواد دیگری نیز از قرارداد است که در ارائه طریق مواجه باین بست شده است مثلاً ماده ۷ پیوست شماره ۱ در خصوص برسمیت شناختن مناطق بهداری دولتی که شرایط مقرر در قرارداد را رعایت نکرده است مقرر میدارد: «... در صورتیکه طرف مقابل معتقد باشد که هر یک از شرایط مقرر در این موافقت نامه علناً اجرا نشده حق دارد که از شناسائی آن مناطق خودداری نماید». در واقع یکنوع معامله متقابل و قصاص تجویز شده است و این امر مسلم و بدیهی است که هر جا مرجعی برای نظم وجود داشته باشد معامله متقابل و *Se faire justice* منع شده است.

ب - مقررات مختلفه - سایر مقررات مربوط بامور مختلف است از قبیل شکل ظاهری و ابعاد علامت بهداری (مواد ۳۸ و ۴۱) - ترتیب ترسیم و استفاده از آن (قسمت دوم ماده ۳۶ - ماده ۳۹ - قسمت اول ماده ۴۰ - مواد ۴۲ و ۴۳ - دو قسمت آخر ماده ۴۴) خصوصیات و استفاده از کارت هویت (قسمت دوم و سوم ماده ۴۰ و قسمت اخیر ماده ۴۱) تعیین و ابلاغ محلهای بهداری (ماده ۷)